



صحابه و کتابت حدیث

تا کنون، از «کتابت حدیث در عصر پیامبر «صلی الله علیه و آله» سخن گفتیم و نشان دادیم که سنت آن بزرگوار، بر لزوم کتابت استوار است. پس از آن، احادیث گزارش شده از رسول الله صلی الله علیه و آله در منع کتابت را نقد کردیم و نشان دادیم که از حجیت، ساقط است. اکنون، شماری از صحابیان را یاد می‌کنیم که حدیث را می‌نگاشتند و بر نگارش و نشر آن، تأکید می‌ورزیدند.

از آن‌چه در بحث پیشین آوردیم، روشن شد که رسول الله صلی الله علیه و آله بر کتابت حدیث تأکید می‌کرده است و کتابت حدیث، به امر رسول الله صلی الله علیه و آله، به روزگار حیات آن بزرگوار، معمول بوده؛ و هیچ منعی از جانب آن بزرگوار در نگارش حدیث، صادر نشده است؛ و روایات منسوب، قطعاً بر ساخته است و از حجیت، ساقط. بدین‌سان، باید تأمل کرد و به دقت در نگریت که صحابیان چه می‌کردند. آیا آنان به ضبط و ثبت حدیث، همت می‌گماشتند یا نه؟ تأمل در نصوص تاریخی و بررسی منابع شرح حال نگاری، تردیدی باقی نمی‌گذارد در این‌که، پاسخ این سؤال نیز مثبت است؛ و نشان می‌دهد که صحابیان به پیروی از تأکیدها و ترغیب‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حدیث را می‌نوشتند. از نگاشته‌ها و نوشته‌های آنان، در متون کهن، گاه به «صحیفه» و دیگرگاه به «نسخه» یاد شده است. اکنون این دو اصطلاح را بازشناسی کنیم.

(۱) صحیفه

«صحیفه» برگی است نگاشته شده، که آن را به «صحف» جمع می‌بستند؛ البته ساختار قیاسی آن، «صحائف» است.^۱ ابن حجر عسقلانی، صحیفه را به «ورقه مکتوبه» تفسیر کرده است^۲؛ بنابراین، «صحیفه» در اصل وضع لغوی، بر «برگی نگاشته شده» اطلاق می‌شده است و در ادامه استعمال، بر برگ‌های نگاشته شده نیز اطلاق شده است. در گزارش‌های تاریخی آمده است که چون رسول الله صلی الله علیه و آله بر ابلاغ آیین خود، پای فشرد و تطمیع‌ها، تهدیدها و پیشنهادهای قریب را برای کنار آمدن با آنها و دست شستن از تبلیغ برنتابید، آنان، همپیمان شدند که یکسر با رسول الله صلی الله علیه و آله رویارویی کنند و او و همگامانش را در انزوا قرار دهند. سپس پیمان نامه‌ای نگاشتند و آن را در میان کعبه آویختند، از این پیمان نامه که «برگی مکتوب» بود، به «صحیفه» یاد شده است.^۳ بدین‌سان، «صحیفه» در اصطلاح محدثان، مکتوبی است مشتمل بر حدیث و یا احادیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله، نگاشته شده بر برگ‌های و یا برگه‌هایی.^۴

(۲) نسخه

در میان آثار شرح حال نگاران و در ضمن شرح حال محدثان و راویان، گاه از عنوان «نسخه» سخن رفته است که آن نیز گویا حدیث یا احادیثی است نگاشته شده بر برگ‌های و یا برگه‌هایی. برخی از حدیث پژوهان نوشته‌اند: از جهت اصطلاح، «صحیفه» نگاشته‌ای است مشتمل بر یک حدیث یا بیشتر (با یک سند) که ممکن است موضوعات مختلف را در بر داشته باشد؛ مانند: صحیفه همام. اما اگر اسناد متعددی داشت، از آن به «نسخه» یاد می‌کنند...^۵ یادآوری کنم که صحیفه‌ها و نسخه‌ها، گاه به کاتب و نگارنده آن نسبت داده می‌شده است، و گاه به املاکنده آن؛ مانند «صحیفه جابر» که آن را شاگردش سلیمان بن قیس یشکری نگاشته است.



اکنون با نگاهی به منابع شرح حال نگاری و کتاب‌های رجالی و... می‌کوشیم تا گروهی از صحابیان را که حدیث را می‌نگاشتند و «صحیفه» یا «نسخه» ای بدان‌ها نسبت داده شده است، شناسایی کنیم. نام‌های صحابیان را بر اساس الفبا می‌آوریم و آگاهی‌های لازم را در ذیل نام‌ها گزارش می‌کنیم. ۶

- أبوأمّامه الباهلی: صدی بن عجلان

- أبوایوب الأنصاری: خالد بن زید

۱. ابوبکر بن ابی قحافه

بی‌گمان، ابوبکر، به روزگار حیات رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله احادیث را می‌نگاشته است. بر اساس برخی گزارش‌ها، وی ۵۰۰ حدیث از احادیث رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را نگاشته بود که پس از پیامبر و بعد از مدتی اندیشیدن، و بر چگونگی‌اش در نگرستن (!!)) آنها را به آتش کشید. ۷. برخی از پژوهشگران بر این باورند که وی پس از پیامبر نیز حدیث را می‌نگاشته است. ۸.

پس از این، در زمینه چگونگی حدیث‌نگاری ابوبکر و اقدام او به منع کتابت و شعار وی در این باره، سخن خواهیم گفت.

- ابوبکر الثقفی: نفع بن مسروح

۲. ابورافع

وی، از صحابیان جلیل رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و از پیشتازان در کتابت و تألیف است. پس از این، در ضمن بحث تدوین حدیث در شیعه، به تفصیل از وی یاد خواهیم کرد.

- أبوسعید الخدری: سعد بن مالک

۳. أبوشاه الکلبی

چون رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بر مکه چیره گشت، در میان مردمان، خطبه ای ایراد کرد و در ضمن آن، از جایگاه بلند مکه و از برخی احکام و رفتارهای مسلمانان و... سخن راند. ابوشاه کلبی که از مردمان یمن بود، به پاخواست و از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله تقاضا کرد که این سخن را برای وی بنویسند، و پیامبر دستور داد چنان کنند. ۹. از آن پس، این سخن، به حدیث «أبوشاه» شهره شد. ۱۰، که عالمان بسیاری در جواز (بلکه لزوم) کتابت حدیث، بدان استناد کرده‌اند، و ما پس از این نیز بدان اشاره خواهیم کرد.

۴. أبوهیرة، الدوسی الیمانی

وی از صحابیان مشهور رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و از راویان و محدثانی است که به کثرت نقل از سویی و به جعل و وضع از سوی دیگر، شهره است. ۱۱. در میان نقل‌های گونه‌گون درباره ابوهیره، گزارش‌هایی توان یافت که تصریح دارد ابوهیره احادیث را به حافظه می‌سپرد و کتابت نمی‌کرده است؛ ۱۲؛ اما نقلها و گزارش‌هایی نیز هست که نشانگر آن است که وی حدیث را می‌نوشته است. ۱۳. آقای دکتر محمد مصطفی اعظمی بر این باور است که جمع میان دوگونه نقل، بدین‌گونه ممکن است که بگوییم عدم کتابت ابوهیره، در زمان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده است و کتابت وی، پس از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله. ۱۴. کسان بسیاری از ابوهیره حدیث شنیده‌اند و صحیفه‌ها و نسخه‌ها از نقل‌های وی نوشته‌اند. ۱۵. آنچه آوردیم، نشانگر این حقیقت تواند بود که وی، حدیث را می‌نگاشته است؛ چه در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و یا پس از آن.



۵- أبوهند الدّاری

او از قبیله «دار» است که گویا نامش «بریر» بوده است و به کنیه شهرت دارد. داستان حضور وی با تمیم داری، در محضر رسول الله صلی الله علیه و آله و درخواست قطعه زمینی در شام و واگذاری رسول الله صلی الله علیه و آله و نگاشتن قراردادی برای آن، در منابع شرح حال نگاری آمده است. ابن حجر، پس از گزارش آن می‌نویسد: من درباره آن، رساله‌ای پرداخته‌ام با عنوان «الجلیل بحکم بلد الخلیل» ۱۶. از ابوهند، روایاتی در منابع حدیثی آمده است، و گویا ابوعبدالله مکحول شامی، از احادیثی که وی نقل کرده است، نگاشته‌ای را سامان داده است. ۱۷.

۶- أبی بن کعب الأنصاری

وی، از صحابیان جلیل و از مفسران ارجمند و از موالیان علی بن ابی طالب علیه السلام بوده است. از أبی بن کعب و ثبت و ضبط وی از حدیث، در بخش دیگری از این سلسله مباحث یاد خواهیم کرد.

۷- أسماء بنت عمیس

او از پیشتازان در اسلام و از چهره‌های منور تاریخ اسلام و از مهاجران شکوهمند روزگار شکنجه و رنج و از مدافعان جدی «حقّ خلافت و خلافت حقّ» است. از اسماء و کتابت او از حدیث، پس از این یاد خواهیم کرد.

۸- اسید بن حضیر الأنصاری

اسید، از صحابیان و از چهره‌های برجسته مدینه است. او پس از رسول الله صلی الله علیه و آله، در حاکمیت ابوبکر کوشید ۱۸ و از جمله کسانی است که با عمر بن الخطاب برای بردن علی علیه السلام به مسجد، به خانه آن بزرگوار هجوم آورد. ۱۹. اسید، برخی از احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله را نگاشته و نیز برخی از داوری‌های آن بزرگوار و خلفا را. ۲۰.

۹- انس بن مالک

انس، از صحابیان، محدّثان و مقربانی است که به خدمت‌گزاری رسول الله صلی الله علیه و آله مشهوراند. او خطی نیکو داشت ۲۱ و احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله را می‌نگاشت و بر نگارش آن، تأکید می‌ورزید و به فرزندان نیز امر می‌کرد که بنویسند ۲۲ و از تباه شدن دانش جلوگیری کنند. این تأکید و ترغیب، تا بدانجاست که از وی نقل کرده‌اند:

كُنَّا لَانَعِدَّ عِلْمَ مَنْ لَمْ يَكْتُبْ عِلْمَهُ عِلْمًا... ۲۳.

ما دانش کسی را که نمی‌نگاشت و ثبت و ضبط نمی‌کرد، دانش نمی‌دانستیم.

یعنی به استواری و دقت آن، باور نداشتیم. در گزارش‌هایی آمده است که در نزد انس، نگاشته‌های فراوانی بوده است؛ هبیره بن عبدالرحمن می‌گوید:

چون انس آهنگ نقل حدیث می‌کرد و مردم برای شنیدن انبوه می‌شدند، نگاشته‌هایش را می‌آورد و بر مردمان می‌خواند و می‌گفت اینها احادیثی است که من از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیده‌ام... ۲۴.

انس، مجالس کتابت داشت؛ احادیث را املا می‌کرد و دیگران می‌نوشتند. ۲۵.



بدین سان، کسان بسیاری از وی حدیث آموختند و احادیثی از وی دریافته، نگاشتند؛ از جمله، ثمامه بن عبیدالله بن انس که «کتاب الصدقات» را از انس می‌داشته است ۲۶ و کثیر بن سلیم راوی که از انس، «نسخه» ای را روایت می‌کرده است. ۲۷

۱۰. براء بن عازب الأنصاری الخزرجی

براء، از صحابیان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و فرزند صحابی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (عازب بن حارث) است. براء از راویان «حدیث غدیر» است که در مواضع مختلفی آن حدیث را گزارش کرده است. ۲۸ براء بر کتابت حدیث، تأکید داشته است. او محافل تحدیث تشکیل می‌داد؛ حدیث می‌گفت و جستجوگران حدیث، به املائی او می‌نگاشتند. ۲۹

۱۱. جابر بن سمرة السّوئی

او هم از راویان حدیث غدیر است ۳۰. او نیز حدیث را می‌نگاشت. عامر بن سعد بن اُبی وقاص، می‌گوید: نامه ای برای جابر بن سمرة فرستادم و از وی خواستم تا برخی از احادیثی را که از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیده است، برای من بنویسد، و وی چنین کرد ... ۳۱

۱۲. جابر بن عبدالله الأنصاری

وی، صحابی جلیل القدر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله محدث و مفسّری بزرگ و از پیشتازان در دفاع از حق است. عمر او سالیان دراز بیابید و بدین سان، از سرچشمه زلال آگاهی‌هایش - که از آل الله فرا گرفته بود - دیگران را سیراب ساخت. درباره جایگاه او در کتابت حدیث، در آینده سخن خواهیم گفت.

۱۳. جریر بن عبدالله البجلی

جریر از صحابیانی است که زندگی اش دارای دیگرسانی‌ها و کُزرفتاری‌هایی است. او از یاری علی علیه‌السلام تن زد، و به ستم و ستمگری روی آورد. ۳۲ جریر، حدیث را می‌نوشت. از جمله آورده‌اند که او در هنگامه‌ای که گرسنگی و دشواری‌هایی برخی مناطق را فرا گرفته بود، به معاویه نوشت:

از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم که فرمود:

آن که بر مردمان رحم نکند و مهر نوزد، خداوند به او رحم نخواهد کرد. ۳۳

۱۴. حسن بن علی علیه‌السلام

سبط اکبر، پیشوای راستین امت، حسن بن علی علیه‌السلام، بر کتابت و ضبط حدیث بسی تأکید داشته است. در آینده در این باره، به تفصیل، سخن خواهیم گفت.

۱۵. خالد بن زید

خالد بن زید (مشهور به ابویوب) انصاری، از مشاهیر صحابه است؛ همو که رسول خدا در مدینه در خانه وی سکنی گزید. ابویوب، از استوارگامان بر «صراط مستقیم» بود و همواره حرمت حق را پاس می‌داشت. از نقش وی در کتابت حدیث، پس از این، سخن خواهیم گفت.

۱۶. رافع بن خدیج الأنصاری

وی از صحابیان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و از کسانی است که بجز نبرد احد - که به سبب خردسالی، اجازه شرکت در آن را نیافت - در دیگر نبردها همراه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده است. ۳۴ به هنگام نبرد احد، نیزه ای بدو اصابت کرد



و پیکان آن، در بدن وی تا هنگام مرگ، باقی ماند. پیامبر صلی الله علیه و آله به شهید بودن او گواهی داد ۳۵ و گفته می شود او در نبرد صفین، همراه علی علیه السلام بوده است. ۳۶ رافع، حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله را می نگاشت و نزد خویش، نگاه می داشت. آورده اند که روزی مروان از حرمت مکّه سخن گفت. رافع بن خدیج فریاد زد که: اگر مکّه حرم الهی است، مدینه حرمی است که رسول خدا بدان حرمت بخشیده است. این حقیقت، در پوستی نگاشته شده و در نزد ما محفوظ است که اگر بخواهی، آن را می خوانیم... ۳۷

۱۷. زید بن أرقم

زید بن أرقم، از خزر جیان یثرب و از صحابیان پیامبر صلی الله علیه و آله است، هموست که درباره موضع گیری منافقان افشاگری کرد و رسول الله صلی الله علیه و آله را ستود. درباره وی، پس از این، سخن خواهیم گفت.

۱۸. زید بن ثابت الأنصاری

از مفسران، مقریان و چهره های نقش آفرین صحابه است. زید بن ثابت، از جهاتی مورد توجه خلفا بوده است. او را بسیار می ستودند و بزرگ می داشتند. از وی نقل کرده اند که پیامبر بدو امر کرده است زبان سریانی فراگیرد و نگاشته ی یهودیان را برای رسول الله صلی الله علیه و آله بخواند، و وی در کمتر از نصف ماه، آن را فرا گرفته است. او را کاتب وحی و نیز جامع قرآن دانسته اند؛ لیکن همه این موارد، مورد گفتگوست. ۳۸ از زید بن ثابت نقل کرده اند که گفته است:

پیامبر به ما امر کرده است چیزی از حدیث وی را ننویسیم و آنچه نوشته ایم، محو کنیم. ۳۹

آقای دکتر اعظمی، اسناد این نقل را منقطع می داند و ضعیف و مألّف غیر قابل استناد. وی احتمال می دهد که تن زدن زید - بر اساس برخی از نقل ها - از نگاشتن آرا و اندیشه های خود بوده است و نه احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله. وی، آنگاه نصوص و نقل هایی را گزارش می کند که نشان گر آن است که زید بن ثابت، حدیث را می نوشته است؛ و

جالب این که گاه به درخواست عمر نوشته است؛ از جمله، در پاسخ سؤال های وی از مسئله ی ارث «جد» و... ۴۰

گفتیم خلفا، وی را می ستودند و در مسائل فقهی، بدو مراجعه می کرده اند. او را اولین کس دانسته اند که در «میراث» کتاب نگاشته است. ابوبکر محمد بن خیر أموی اشبیلی، در فهرست خود، از کتاب «فرائض» زید یاد کرده است و سند خود بدان را گزارش کرده است ۴۱؛ از این مجموعه و اهمیت آن، در متون حدیثی ۴۲ و منابع شرح حال نگاری ۴۳ سخن رفته است. زید، چنان که آوردیم، به دانش شهره بود. کسان بسیاری به محضر وی می شتافتند و از او دانش فرا می گرفتند و احادیثی می نگاشتند. از جمله، ابوقلابه عبدالله بن زید بصری که در نگارش و ضبط و ثبت حدیث، سخت کوش بود و نگاشته های فراوانی داشت ۴۴؛ او در ضمن نگاشته هایش، به نقل از زید بن ثابت نیز احادیثی نگاشته بود. ۴۵ و نیز کثیر بن افلح که می گفت:

ما در نزد زید بن ثابت، احادیث را می نگاشتیم. ۴۶

۱۹. سبیهة الأسلمیة

سبیهة اسلمی از راویان رسول الله صلی الله علیه و آله است، وی همسر سعد بن خوله است (که در «حجّة البلاغ» زندگی را بدرد گفت). اندکی پس از مرگ سعد (یکماه یا کمتر)، سبیهة بزاد و کسانی از وی خواستگاری کردند. رسول الله صلی الله علیه و آله بر اساسی برخی از نقلها، به وی اجازه ازدواج داد. ۴۷ بدین سان، چگونگی شوهر کردن مجدد وی، مستند فقهی حکم کسانی شد که بر این باورند که «وضع حمل»، انقضای عدّه زنان است مطلقاً؛ چه آنانکه طلاق داده



شده اند و چه آنانکه شوهرانشان زندگی را بدرود گفته اند؛ و نیز تفسیر بر آیه «وَأُولَاتِ الْأَحْمَالِ أَجْلِهِنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» [طلاق/۴] ۴۸.

چگونگی این ماجرا را از سببیه سؤال کرده‌اند و او در پاسخ، چگونگی را نگاشته است. ۴۹ برخی کسان، از وی حدیث شنیده اند و او برای برخی، حدیث نوشته است؛ از جمله برای: عبدالله بن عتبّه ۵۰، عمر بن عبدالله بن الأرقم ۵۱، عمرو بن عتبّه ۵۲ و مسروق بن أجدع ۵۳.

۲۰. سعد بن عبادۀ الأنصاری

سعد بن عبادۀ، پیشوای خزرجیان و از صحابه انصار است. او قبل از اسلام کتابت را فرا گرفته بود و از معدود کسانی است که با عنوان «کامل» یاد شده اند. ۵۴ سعد را در سخاوت و شجاعت ستوده اند و از ابن عباس آورده اند که رسول الله صلی الله علیه و آله دو پرچم داشت: پرچم مهاجران و پرچم انصار؛ پرچم مهاجران با علی علیه السلام و پرچم انصار با سعد بود. پس از رسول الله صلی الله علیه و آله، سعد در حالیکه بر بستر بیماری بود، در سقیفه بنی ساعده با یارانش انجمن کرد؛ اما کاری از پیش نبرد؛ تا در روزگار خلافت عمر، در بیابان جان سپرد!!! و نظام حاکم چنین شایع کرد که او را جنیان کشته اند! ۵۶ سعد بر کتابت حدیث، تأکید می ورزیده و او را نگاشته‌های فراوانی بوده است. ابن حبان در ضمن یاد کرد اسماعیل بن عمرو بن شرحبیل نوشته است:

صاحب الوجادات من کتب سعد الأنصاری. ۵۷

و احمد بن حنبل، چگونگی داوری رسول الله صلی الله علیه و آله بر اساس نگاشته‌های سعد را چنین گزارش کرده است: إسماعیل بن عمرو بن قیس بن سعد بن عبادۀ عن أبيه أنهم وجدوا في كتب سعد بن عبادۀ الأنصاری: إن رسول الله صلی الله علیه و آله قضی باليمين مع الشاهد. ۵۸

برخی از نقلها، به جای (فی کتب)، (فی کتاب) دارند، که البته در نتیجه گیری برای بحث ما تفاوتی نخواهد داشت و به هر حال، نشانگر آن است که سعد بن عبادۀ حدیث را می نوشته است.

۲۱. سلمان الفارسی

سلمان، یار بیدار دل و صحابی جلیل رسول خدا و از حافظان حدیث و کاتبان حقایق منقول از رسول الله صلی الله علیه و آله است. در بخش دیگر، از جایگاه وی در کتابت حدیث، سخن خواهیم گفت.

۲۲. سائب بن یزید

او محفل نقل حدیث داشت، و شاگردانش از او حدیث می شنیدند و می نوشتند و می گسترده‌اند. ابن لهیه می گوید: یحیی بن سعید از آنچه از سائب شنیده بود، می نگاشت و برای من ارسال می داشت. ۵۹

۲۳. سمره بن جندب

وی احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله را در مجموعه‌ای سامان داده بود که در منابع حدیثی و رجالی، از آن، گاه با عنوان «رساله» ۶۰ و دیگرگاه با عنوان «نسخه» ۶۱ یاد شده است. ابن سیرین از مجموعه سمره یاد کرده و آن را سرشار از دانش دانسته است. ۶۲

فرزندان سمره، این «نسخه» را روایت کرده‌اند و روایان و محدثانی از آنها فرا گرفته، آن را نشر داده‌اند. ۶۳ حسن بصری نیز آن را روایت کرده است ۶۴ و راشد بن سعد مقرنی حمصی را نیز از روایان آن برشمرده اند. ۶۵ احمد بن عمرو بزّار در



مسند خود (به نام «البحر الزخار» و) مشهور به «مسند بزّار»، از این مجموعه، هفتاد حدیث را گزارش کرده است و ابوالقاسم طبرانی در اثر فخیم خود (المعجم الکبیر)، یکصد حدیث را. در مجامع حدیثی دیگر نیز روایات آن پراکنده است و این همه، نشانگر شهرت این مجموعه حدیثی است.

۲۴. ابوسعید، سعد بن مالک الخدری

ابوسعید خدری در موضوع منع تدوین حدیث از شهرتی شایان توجه برخوردار است. پیشتر آورده ایم ۶۶ که تنها حدیث صحیح (اگر این ادعا پذیرفته شود) در منع تدوین، از وی نقل شده است. بدین سان، ابوسعید خدری، از مانعان تدوین حدیث شناخته شده است. اما آقای دکتر محمد مصطفی اعظمی بر این باور است که او حدیث را می‌نوشته است و یا دست کم برای خود ثبت و ضبط می‌کرده است. ۶۷ ما در مطالب پیشین استظهار کرده بودیم که سخن ابوسعید احتمالاً به نگاشتن حدیث همراه قرآن مربوط است و نه نگاشتن آن به گونه مستقل. ۶۸

۲۵. سهل بن سعد، السّاعدی الأنصاری

سهل نیز از کاتبان و ناشران حدیث است. کسانی از او حدیث فرا گرفته و نشر داده‌اند و حکومت وقت، او را به سبب نشر حدیث، سیاست کرده است! پس از این، از وی یاد خواهیم کرد.

۲۶. شداد بن اوس بن ثابت الأنصاری

او از صحابیان جلیل رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله است. او را از فقیهان اصحاب پیامبر برشمرده‌اند. ۶۹ شداد، جوانان را جمع می‌کرد و به آنان حدیث املا می‌کرد. ۷۰ کسانی از وی خواستند از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله کلامی برای آنها نقل کند. گفت: حدیثی را برای شما ارمغان می‌کنم که پیامبر، آن را همراه به ما می‌آموزاند و املا می‌کرد و ما می‌نوشتیم:

اللهم، انی أسألك الثبات فی الأمر، وأسألك عزيمة الرشد، وأسألك شکر نعمتك وحسن عبادتك ... ۷۱

به روزگار حاکمیت معاویه بر شام، معاویه از شداد خواست تا به منبر فراز آید و از شأن علی علیه‌السلام بکاهد و بر آن بزرگوار، طعن زند؛ اما او چنان نکرد و سخنی گفت که معاویه را خوش نیامد و دیگرگاه کلامی گفت که به واقع، طعن در معاویه بود. ۷۲ و چون معاویه از او پرسید که علی افضل است یا او، و کدامیک را بیشتر دوست می‌دارد، وی هوشمندانه بر والایی و برتری علی علیه‌السلام تأکید کرد و در پاسخ، سخن به گونه‌ای بر زبان آورد که از خشم و کین معاویه و گزند گزیده ای او مصون بماند. ۷۳

۲۷. شمعون الأزدی الأنصاری

شمعون، از صحابیان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله است، که هنگام فتح دمشق، همراه فاتحان بوده است. وی در آن دیار، رحل اقامت افکند و او را از بزرگان دمشق برشمرده‌اند. ۷۴ شمعون، احادیث را می‌نگاشته و گزارش می‌کرده است. برخی محدثان، آورده‌اند که:

ابوریحانه شمعون ازدی را سوار بر کشتی دیدیم که «صحیفه»هایی به همراه داشت. ۷۵

۲۸. ابوامامه، صدی بن عجلان الباهلی

ابوامامه از جمله کسانی است که بر کتابت حدیث تأکید می‌کرده‌اند. آورده‌اند که حسن بن جابر از ابوامامه باهلی، درباره ثبت و ضبط دانش [حدیث] پرسید. گفت:



اشکالی ندارد. [بنویسید. ۷۶]

براساس برخی احادیث، ابوامامه، حدیث را املا می‌کرده و دیگران می‌نوشته‌اند. چنین است آنچه عبدالرزاق گزارش کرده است که: قاسم بن عبدالرحمن شامی، احادیث ابوامامه را می‌نگاشت. ۷۷

۲۹. ضحاک بن سفیان الکلابی

ضحاک از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله مسائلی پرسیده و پاسخ را به کتابت دریافت کرده است و بعدها آنچه را از رسول الله دریافت، آن هنگام که از وی سؤال شده، نگاشته و عرضه کرده است. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله او را بر اعراب گمارده بود. وی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله سؤال کرده است که زن از دیه شوهرش، ارث می‌برد یا نه؟ و جواب مثبت درمی‌یابد. ۷۸ پس از روزگاری، عمر آهنگ آن می‌کند که زنی را از «دیه» شوهرش محروم کند. ضحاک به عمر می‌نویسد که در این باره از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله سؤال کردم و پاسخ مثبت شنیدم و بدین طریق، همسر «أشیم ضبابی» را از دیه وی ارث دادم. ۷۹

۳۰. عائشه بنت ابی بکر

عائشه، پس از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. حکومت به وی توجه خاصی داشت و در مواردی، او برای احکام شرعی و مسائل مرتبط به دین و قرآن، مرجع شناسانده می‌شد. ۸۰ آورده اند که او خوب می‌خواند و در سخنوری و خطابه، بسی چیره دست بود؛ اما کتابتش مورد گفتگوست. ۸۱ عائشه خود نیز توجه بلیغی به نقل حدیث داشت؛ احادیث را به کسانی املا می‌کرد و آنان می‌نگاشتند و می‌گسترده‌اند. ۸۲ بدین‌سان، عائشه از کسانی است که بر کتابت و نشر حدیث تأکید ورزیده است.

زیاد بن ابی سفیان، عروه بن زبیر و معاویه بن ابی سفیان، کسانی هستند که از وی احادیثی را نوشته‌اند. عروه بن زبیر فقط در تفسیر، ۹۲ سخن از وی گزارش کرده است. ۸۳ قاسم بن محمد بن ابی بکر، ابوسلمه بن عبدالرحمن، ذکوان، مسروق بن الأجدع و... از جمله کسانی هستند که از وی حدیث نقل کرده‌اند. نقل‌های عائشه، چه به گونه حدیث از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و چه به صورت رأی و فتوی، در چگونگی شکل‌گیری آثار مکتوب تاریخی، فقهی و تفسیری و قرآنی، تأثیر مهمی بر جای نهاده است که اکنون مجال پرداختن بدان نیست. ۸۴

۳۱. عبدالله بن ابی اوفی

وی از صحابیانی است که در «حدیثیه» و «بیعت رضوان» حضور داشته‌اند. او تا هنگام رحلت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در مدینه بود و آنگاه به کوفه رفت و در آن دیار زیست تا اینکه زندگی را بدرود گفت. او آخرین صحابی یی است که در کوفه درگذشته است. ۸۵ سالم بن ابی امیئه، کاتب وی بود که از او احادیثی را به کتابت گزارش کرده است. ۸۷ یکی از دوستان سالم نیز نقل می‌کند که عبدالله درباره‌ی جهاد، احادیثی نگاشت و آنها را برای عبیدالله فرستاد و من از وی خواستم آنها را برای من بنویسد. ۸۸ عمرو بن عبیدالله نیز از کسانی است که عبدالله برای وی احادیثی نگاشته است. ۸۹

۳۲. عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر را نیز از کسانی برشمرده‌اند که بر کتابت حدیث باور داشته است. ۹۰ از عبدالله بن زبیر، از جمله، رساله‌ای یاد شده است که در آن، احادیثی از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله نوشته بوده است. ۹۱



۳۳. عبدالله بن عباس

عبدالله بن عباس از مفسران، محدثان و صحابیان جلیل القدر است. ابن عباس بر کتابت حدیث تأکید داشته است. او در نشر تفسیر و حدیث، به بنان و بیان، بسی کوشیده است. در مقامی دیگر و به هنگام بحث از تدوین حدیث در شیعه، از جایگاه وی در تدوین حدیث، سخن خواهیم گفت.

۳۴. عبدالله بن عمر

عبدالله بن عمر از فقیهان و محدثان بلند آوازه تاریخ اسلام است. گو این که او این بلند آوازی را تا حدودی وامدار پدرش عمر بن الخطاب است؛ اما حضور وی در صحنه‌های اجتماعی و فرهنگی و مورد توجه قرار گرفتن او در مسائل، بویژه مسائل فقهی، به این شهرت، یاری رسانده است. عبدالله بن عمر، شخصیت شگفتی دارد. او در صحنه سیاست، غالباً حرکت مرموزانه و آمیخته به سکوت و رفتاری متلون دارد. فقه و اندیشه او در شکل گیری فقه سده‌های پس از وی، تأثیر داشته است. ۹۲.

به هر حال، عبدالله بن عمر از کسانی است که به گستردگی، حدیث را می‌نگاشته است. حدیث پژوهان نوشته‌اند که او همواره احادیث نبوی را در نگاشته‌هایی گرد می‌آورد ۹۳ و کتاب‌ها و نسخه‌هایی از حدیث، به همراه داشت که قبل از آن که به میان مردم آید، بدان‌ها می‌نگریست ۹۴ و نیز نسخه‌ای از کتاب «صدقات» پدرش را همراه داشت که به واقع، نسخه‌ای از «کتاب الصدقات» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. ۹۵ کسانی از ابن عمر سؤال می‌کردند و او به کتابت جواب می‌داد ۹۶ و گاهی او خود، احادیثی از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌نگاشت و برای دوستانش می‌فرستاد. ۹۷ نافع، غلام وی، احادیثی از او نقل کرده است. ذهبی می‌گوید:

واقعی از جماعتی روایت کرده است که کتاب نافع، شنیده‌های او از ابن عمر بوده است که ما آن را می‌خواندیم. ۹۸
به ابن عمر، مخالفت با کتابت حدیث هم نسبت داده شده است؛ اما این نسبت، دلیل استواری ندارد. آقای دکتر مصطفی اعظمی می‌نویسد:

معارضه با ثبت و ضبط حدیث را به ابن عمر نسبت داده‌اند؛ اما هیچ تصریحی از وی در این باره در دست نداریم. ۹۹
بدین سان، عبدالله بن عمر که در مسائل فقهی، در موارد بسیاری با دیدگاه‌های پدرش مخالفت کرده است ۱۰۰، بعید نمی‌نماید که این نیز یکی دیگر از موارد مخالفت وی با پدرش باشد.

۳۵. عبدالله بن عمرو بن عاص

عبدالله بن عمرو بن عاص، در تدوین حدیث، بلند آوازه است؛ کلام مشهور رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله (که پیشتر آوردیم) که به او فرمود: «بنویس؛ به خدا سوگند، از من، جز حق، برون نترود» ۱۰۱، از جمله دلایل متقن تأکید رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در ثبت و ضبط حدیث است.

عبدالله بن عمرو بن عاص، در کتابت و نگارش، سختکوش بود؛ کسان بسیاری از این ویژگی او یاد کرده‌اند و تصریح کرده‌اند که او حدیث را می‌نوشته است. ۱۰۲ روایاتی نشانگر آن است که او به محضر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌شتافته و احادیثی را که املا می‌شده است، می‌نگاشته است. ۱۰۳ عبدالله بن عمرو بن عاص به زبان سریانی آشنایی داشت. ۱۰۴ آورده‌اند که او به برخی نگاشته‌های «اهل کتاب» نیز دسترسی داشته است ۱۰۵؛ از این روی، او را از جمله کسانی بر شمرده‌اند که در نشر اسرائیلیات در فرهنگ اسلامی، نقش داشته‌اند. ۱۰۶



برخی بر این باورند که عبدالله بن عمرو بن عاص، مجموعه‌ای در مغازی رسول الله صلی الله علیه و آله و سیره آن بزرگوار نیز نگاشته بود، و این نکته را از آن روی که وی احادیث بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله نگاشته است، بعید ندانسته اند. ۱۰۷

عبدالله بن عمرو، حدیث را بر کسان بسیاری املا می‌کرده است. از این روی، کسان بسیاری از وی حدیث را به کتابت نقل کرده‌اند. از جمله، شعیب بن محمد بن عبدالله بن عمرو، عبدالرحمن بن سلمة الجمحی، عبدالله بن رباح الأنصاری، شفی بن ماتع و... ۱۰۸

از جمله نگاشته‌هایی که به عبدالله بن عمرو بن عاص نسبت داده شده است، مجموعه‌ای است با عنوان «الصَّحِيفَةُ الصَّادِقَةُ» که آن را مشهورترین «صحیفه» نگاشته شده در عصر نبوی به خامه صحابه دانسته اند. ۱۰۹ عبدالله خود از این صحیفه بارها یاد می‌کرده و به آن می‌بالیده است و تصریح می‌کرده است که آن را از املاي رسول الله صلی الله علیه و آله نگاشته است ۱۱۰ و گاه چنان می‌نموده است که او به هنگام شنیدن محتوای این صحیفه، در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله تنها بوده است. ۱۱۱ در چگونگی این صحیفه، سخن بسیار است. برخی آورده اند که این صحیفه، دارای یک هزار حدیث بوده است. ۱۱۲ أحمد بن حنبل، بخش‌هایی از «صحیفه» را در مسند خود، با طرق و اسناد مختلف، گزارش کرده است. ۱۱۳ علامه جلیل، هاشم معروف الحسینی، به این نگاشته، عنوان «صحیفه مزعومه» داده است و بر این باور است که این نگاشته، مجموعه‌ای است از آنچه عبدالله بن عمرو بن عاص در «نبرد یرموک» از آثار امت‌های پیشین یافته و در قالب حدیث، گزارش کرده است. ۱۱۴ به هر حال، در استنتاج ما تفاوتی ندارد؛ چرا که در هر حال، نشانگر آن است که او بر کتابت، تأکید داشته و حدیث را می‌نوشته است. ۱۱۵

۳۶. عبدالله بن قیس، ابوموسی الأشعری

ابوموسی اشعری را از کسانی بر شمرده‌اند که کتابت حدیث را روا نمی‌دانسته است. ۱۱۶ خطیب بغدادی گزارش‌هایی را آورده است که نشانگر تأکید ابوموسی بر حفظ است و نه کتابت. ۱۱۷ او (ابوموسی) برخی از کسانی را که از وی حدیث فرا گرفته و نوشته بودند، فراخوانده و گفته است حدیث را حفظ کنید و آنچه را نوشته اید، تباہ سازید. اما آقای دکتر محمد مصطفی اعظمی، با اشاره به این‌گونه نقل‌ها، بر این باور است که او حدیث را می‌نوشته است. ایشان از جمله استناد می‌کند به نگاشته‌ای که ابوموسی به درخواست عبدالله بن عباس نوشته و مشتمل بوده است بر احادیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله. ۱۱۸

۳۷. عبدالله بن مسعود

عبدالله بن مسعود از قاریان، مفسران و عالمان بزرگ دوره صحابه است. مواضع و زندگانی ابن مسعود، از جهات مختلفی شایان بحث است. در کتابت حدیث، از وی دوگونه موضع گزارش شده است. برخی از گزارش‌ها نشانگر آن است که وی حدیث را می‌نگاشته و بر نشر و گسترش آن، تأکید می‌ورزیده است. آورده‌اند که:

عبدالرحمن، پسر ابن مسعود، کتابی نشان داد و سوگند یاد کرد که به خط عبدالله بن مسعود است. ۱۱۹

گزارش دیگری نیز نشان می‌دهد که در نزد وی، نسخه‌هایی از حدیث بوده است. ۱۲۰ شاگردان وی نیز بر تدوین و نشر علم و جستجوی دانش، همت می‌ورزیدند. ۱۲۱ در نقل‌های دیگر، آمده است که نزد فرزند ابن مسعود، نگاشته‌هایی بوده است از احادیث و فقه ابن مسعود (تاریخ فتوی: ۱۵/۳؛ و نیز بنگرید به دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۵۴) از همه



روشن‌تر، موضع خلیفه دوم در برابر اوست که وی را با گروهی دیگر، به سبب نشر و گستراندن حدیث، سیاست کرد و به زندان افکند. ۱۲۲

از آن‌چه آوردیم، روشن است که ابن مسعود بر کتابت و نشر حدیث، همت می‌ورزیده است. اما گزارش‌هایی نیز هست که نشانگر آن است که وی، حدیث و یا احادیثی را از بین برده است و بر ستردن مکتوبی همت گماشته؛ اینگونه نقلها از جمله در «تقیید العلم» خطیب و «جامع بیان العلم و فضله» گزارش شده است. لیکن به پندار ما، اندکی تأمل در محتوای نقل‌ها نشان می‌دهد که انگیزه ابن مسعود از تباه ساختن آنها، نکته ای دیگر بوده است.

در برخی از نقل‌ها آمده است که «نگاشته‌ای از شام آوردند که آورنده، از محتوای آن، شگفت زده بود. ابن مسعود بدان نگریست و گفت: پیشینیان با توجه بدین‌ها و روی برتافتن از کتاب الهی منحرف شدند؛ بدین سان آنها را محو کرد». در نقل دیگری آمده است که «ابن مسعود بدان‌ها نگریست و درحالی‌که آن‌ها را با آب محو می‌کرد، خواند: نحن نقص علیک أحسن القصص؛ و آنگاه گفت: این دل‌ها را جز به قرآن، مشغول مدارید». ۱۲۳

محتوای این نگاشته، نشان‌گر آن است که آن‌چه ابن مسعود تباه ساخته، از یک‌سو مشتمل بوده است بر مطالبی شگفت‌آور و باورنکردنی، و از سوی دیگر، با توجه به استشهاد ابن مسعود به آیه‌ی یاد شده و تکیه بر این‌که پیشینیان، با روی آوردن بدین‌ها گمراه شدند، و این‌که آن نگاشته‌ها از شام آورده شده بود، بعید نمی‌نماید که مشتمل بوده است بر نا استواری‌هایی از آثار جریان‌های فکری دیگر و از جمله، آثار و کتاب‌های پیشینیان؛ این نکته، روشن‌تر خواهد بود اگر دقت کنیم که ابن مسعود می‌گوید [در برخی نقل‌ها]: «در این نگاشته، فتنه است و گمراهی و بدعت» ۱۲۴. چنین است که یکی از راویان این نقل‌ها می‌گوید: این صحیفه از آثار اهل کتاب گرفته شده بود و از این روی، ابن مسعود نقل و ثبت آنها را ناروا می‌داشت. ۱۲۵

بدین‌سان توان گفت ابن مسعود به لحاظ حساسیتی که در مقابل اسرائیلیات داشته است، از نشر این‌گونه مطالب، جلوگیری کرده است. ۱۲۶

۳۸. عتبان بن مالک الأنصاری

عتبان، از خزرجیان، از انصار و از بدریان است و امامت جماعت قبیله‌اش (بنی سالم) را به عهده داشته است. کسی به مدینه می‌رود و بازگویی حدیثی را که پیشتر، از وی شنیده بود می‌خواهد؛ او چنین می‌کند و وی این حدیث را می‌نویسد. ۱۲۷

خطیب بغدادی این گزارش را در بخش نگاشته‌های صحابه آورده است و آقای دکتر اعظمی بر اساس این نقل، عتبان را در شمار ثبت‌کنندگان حدیث، نوشته است. ۱۲۸

۳۹. علی بن ابی طالب علیه‌السلام

علی علیه‌السلام بزرگترین، ارجمندترین و والاترین مدافع، حافظ، مبین و مفسر سنت است. از جایگاه آن بزرگوار در نقل و نشر و کتابت حدیث و حراست و حفاظت از ساحت سنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله، پس از این، به تفصیل، سخن خواهیم گفت.

۴۰. عمر بن الخطاب



پس از پیامبر صلی الله علیه و آله که ابوبکر بن ابی قحافه منع نگارش و ثبت و ضبط حدیث را رقم زد، عمر بن خطاب، در استوارساختن این شیوه، بسی کوشید و به هنگام خلافت، دامنه این سیاست را بگستراند. با این همه، نصوص تاریخی نشان می‌دهد که او نیز به روزگار حیات رسول الله صلی الله علیه و آله و حتی پس از آن، حدیث را می‌نوشته است. چنین است که پژوهشیان اهل سنت، و به واقع توجیه‌گران سیاست خلفا، بسی کوشیده‌اند تا برای موضع واپسین خلیفه، محملی و توجیهی بجویند و آن را موجه جلوه دهند. ۱۲۹

عمر، احادیث مرتبط با صدقات را جمع و تدوین کرده بود، که بارها پسیینان بدان استناد کرده‌اند. این نسخه را نافع به عبدالله بن عمر عرضه کرده بوده است ۱۳۰. بر اساس نقل‌هایی دیگر، احادیثی دیگر از رسول الله صلی الله علیه و آله نیز نوشته بوده است. ۱۳۱

به هنگام خلافت نیز عمر، ابتدا قصد داشت حدیث را بنویسد و بنویسند و برای این، با اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله به رایزنی پرداخت؛ اما پس از یک ماه - بر اساس برخی از نقل‌ها - تصمیم گرفت از نشر آن جلوگیری کند ۱۳۲ و بیانیته‌ای به آبادی‌ها فرستاد که آنان که حدیث را نوشته‌اند، تباہ سازند ۱۳۳؛ و بر اساس برخی نقل‌های دیگر، آنچه را مردم نوشته بودند، چون آوردند و به وی ارائه کردند، سوزاند. ۱۳۴

این همه، نشان می‌دهد که تدوین حدیث، معمول بوده است و عمر نیز از جمله کسانی بوده است که حدیث را می‌نگاشته است. و در این جهت - چنان که پیشتر آوردیم - منعی از رسول الله در اختیار نداشته است و منع وی، تصمیمی بود که او بر اساس مصالحی که بدان می‌اندیشید، برگرفت و به چنین موضعی چنگ زد و آثار سوء فراوانی بر جای نهاد.

۴۱. عمرو بن حزم الأنصاری

او از صحابیان رسول الله صلی الله علیه و آله است که حضور در نبرد خندق، آغاز حضور وی در جنگ‌های پیامبر بوده است. پیامبر او را به حاکمیت اهل نجران گمارد و مجموعه‌ای مشتمل بر احکام طهارت، صلوات، غنیمت، صدقه، دیات و... نگاشت و همراه وی ساخت. ۱۳۵ آقای دکتر محمد مصطفی اعظمی آورده‌اند که وی برخی از نامه‌های رسول الله صلی الله علیه و آله را به صورت کتاب جمع کرده بوده است. این کتاب را پسر وی (محمد بن عمرو)، روایت کرده است. این مجموعه، همراه کتاب ابن طولون (اعلام السائلین عن کتب سید المرسلین) به چاپ رسیده است. ۱۳۶

۴۲. فاطمة الزهراء سلام الله علیها

پیشتر به مناسبتی از «مصحف» فاطمه سلام الله علیها و چگونگی آن یاد کرده‌ایم. ۱۳۷ این مجموعه که همواره در اختیار امامان علیهم السلام بوده است، میراث ارجمندی است از فاطمه اطهر سلام الله علیها که بر آن بزرگوار املا شده و علی علیه السلام آن را کتابت کرده است. ۱۳۸ از منابع و گزارش‌های پراکنده‌ای دیگر می‌توان استفاده کرد که در محضر آن بانوی بزرگوار، نگاشته‌های دیگر مشتمل بر رهنمودها و کلمات گهربار رسول الله صلی الله علیه و آله بوده است. ۱۳۹ در بخش دیگری، در این باره، بشرح تر سخن خواهیم گفت.

۴۳. فاطمة بنت قیس



وی از بانوان هوشمندی است که او را به کمال و خرد ستوده‌اند. دانشوری او در حدیث، مشهور است. وی افزون بر حلقات درس و نقل حدیث، حدیث را املا می‌کرد و شاگردانش می‌نگاشتند. ابوسلامه بن عبدالله بن عبدالرحمن، مجموعه‌ای از احادیث را به املائی وی تدوین کرده است. ۱۴۰

۴۴. محمد بن مسلمة الأنصاری

او از صحابیان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و از انصار است؛ در تمام نبردهای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بجز تبوک، شرکت کرد و در مدینه درگذشت. او از کسانی است که در جنگ‌های روزگار خلافت علی علیه‌السلام سکوت کرده و در جرگه «قاعدین» قرار گرفته است. ۱۴۱ آورده‌اند که در غلاف شمشیر او، صحیفه‌ای مشتمل بر احادیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. ۱۴۲

۴۵. معاذ بن جبل

معاذ، از صحابیان رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و از خزرجیان است. او از جمله هفتاد نفری است که قبل از هجرت، در مکه با رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله پیمان بستند. او در نبردها همراه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. ۱۴۳؛ اما پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، بر صراط مستقیم، استوارنماند و به کزراهی‌ها و تحریف حقایق نیز یاری رساند. ۱۴۴ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله معاذ را به یمن گسیل داشت و کتابی مشتمل بر برخی احکام، همراهش کرد. ۱۴۵ موسی بن طلحه، نسخه‌ای از این کتاب را می‌داشته است. ۱۴۶ کتاب‌های معاذ بن جبل، نزد عبدالله بن عائد نیز بوده است. ۱۴۷ بدین سان او هم حامل آثار مکتوب بوده است و ناشر آن و هم خود، آثار مکتوب از احادیث داشته است.

۴۶. میمونه بنت الحارث الهلالی

میمونه از همسران رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله است که به سال هفتم هجری، پیشنهاد ازدواجش با رسول الله را طرح کرد و پیامبر، او را به همسری برگزید. عایشه گفته است: او در میان زنان پیامبر، پارساترین بود. ۱۴۸ کسان بسیاری از وی حدیث نقل می‌کنند؛ از جمله، فرزند خواهرش، مفسر بزرگ، عبدالله بن عباس. وی احادیث بسیاری را املا کرده و عطاء بن یسار نگاشته است. برخی از این روایات را عمر بن اسحاق بن یسار از کتاب عطا نقل می‌کند. ۱۴۹

۴۷. نعمان بن بشیر الأنصاری

از صحابیان خزرجی است که روزگاری بر «حمص» حکم می‌راند. ۱۵۰ او حدیث را می‌نوشت و می‌گسترده نگاشته‌های او را کسانی می‌داشتند و نقل می‌کردند؛ از جمله، قیس بن هیثم، ضحاک بن قیس، حبیب بن سالم و... ۱۵۱

۴۸. واثله بن الأسقع

وی قبل از نبرد تبوک، اسلام آورد و در آن جنگ شرکت جست. او مردی تهی دست بود. پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به دمشق رفت و در آن دیار، روزگار گذراند و آخرین صحابی است که در دمشق، زندگی را بدرود گفته است. ۱۵۲ او بر نشر حدیث، تأکید داشت؛ حدیث را املا می‌کرد و دیگران می‌نوشتند. ۱۵۳

آنچه تا بدین جا آوردیم، گزارش نام و آثار کسانی از صحابه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بود که در ثبت و ضبط حدیث، کوشیده‌اند. مجموعه‌ی این گزارش‌ها نشانگر آن است که صحابیان، حدیث را می‌نوشتند. - هم در روزگار رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و هم در روزگار پس از پیامبر - با این که بی‌گمان جریان حاکم نه نگارش حدیث را خوش می‌داشت و



نه نشر و گسترش آن را. با این همه، بر این نکته تأکید می‌ورزیم که در عدم کتابت حدیث، هیچ‌گونه نصّ شرعی وجود نداشته است، و از پیامبر، هیچ‌گونه منعی صادر نشده بود؛ وگرنه، این همه صحابی‌ان برخلاف کلام رسول الله صلی الله علیه و آله همّت نمی‌ورزیدند.

بی‌گمان، آن‌چه اکنون پژوهشگران از لابه‌لای اسناد تاریخی عرضه کرده‌اند، اندکی است از بسیار و نشانی است از عدم انقطاع کتابت حدیث و نشر آن؛ و گرچه نه به گونه‌ای گسترده و جریانی معمولی و همگانی.

پی‌نوشت‌ها:

۱. العین، خلیل بن أحمد فراهیدی: ۱۲۰/۳؛ تاج العروس: ۵/۲۴
۲. فتح الباری: ۰۰۰/۱؛ التّراویب الإدریة، عبدالحیّ الکتانی: ۲۵۷/۱
۳. سیره ابن هشام: ۳۵۰/۱ ... ثمّ علّقوا الصّحیفه فی جوف الکعبه ...؛ تاریخ طبری: ۷۸/۲
۴. معرفه النسخ والصحف الحدیثیه، بکر بن عبدالله أبوزید: ۲۴-۲۵
۵. معرفه النسخ والصحف الحدیثیه: ۲۳
۶. این گزارش را بر اساس فهرست دکتر محمد مصطفی اعظمی بنیاد نهاده ام، و در تکمیل و تنقیح آن، منابع وی را بازنگری و به منابع بسیار دیگر نیز مراجعه کرده ام.
۷. تذکره الحفاظ: ۵/۱
۸. دراسات فی الحدیث النبوی و تاریخ تدوین، محمد مصطفی اعظمی: ۹۴/۱
۹. الإستیعاب: ۲۴۹/۴؛ الإصابه: ۱۷۱/۷؛ أسد الغابه: ۱۵۸/۶
۱۰. صحیح مسلم: ۹۸۸/۲؛ تقیید العلم: ۸۶؛ المحدث الفاصل: ۳۶۳؛ جامع بیان العلم: ۷۰/۱
۱۱. بنگرید به: أبوهریرة، علامه سید عبدالحسین شرف الدین؛ شیخ المضیره أبوهریرة، محمود أبوریة.
۱۲. جامع بیان العلم: ۷۴/۱؛ فتح الباری: ۲۱۵/۱
۱۳. جامع بیان العلم: ۷۴/۱؛ المستدرک / : التّراویب الإدریة: ۲۴۶/۲
۱۴. دراسات فی الحدیث النبوی: ۹۷/۱
۱۵. از جمله کسانی که از وی حدیث نقل کرده و صحیفی نگاشته اند، می‌توان از: ابوصالح السّمان، محمد بن سیرین و همام بن منبّه، یاد کرد. بنگرید به دراسات فی الحدیث النبوی: ۹۶-۹۹
۱۶. الإصابه: ۳۷۴/۷
۱۷. دراسات فی الحدیث النبوی: ۹۸/۱؛ الإصابه: ۳۷۴/۷؛ تهذیب الکمال: ۴۷۰/۲۸
۱۸. تاریخ الأمم والملوک (تاریخ طبری): ۲۲۱/۳؛ شرح ابن أبی الحدید: ۳۹/۲
۱۹. الإمامه والسیاسة (تحقیق: علی شیری): ۲۸/۱؛ شرح ابن أبی الحدید: ۵۰/۲
۲۰. مسند أحمد بن حنبل: ۲۶۶/۵؛ دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۰۰/۱. درباره شرح حال وی، بنگرید به تهذیب الکمال: ۲۴۶/۳؛ قاموس الرجال: ۱۳۸/۲
۲۱. سیر أعلام النبلاء: ۴۰۱/۳



۲۲. طبقات ابن سعد: ۲۲/۷؛ المحدث الفاصل: ۳۶۸؛ تقييد العلم: ۹۶
۲۳. تقييد العلم: ۹۶؛ شرف أصحاب الحديث: ۹۷
۲۴. تقييد العلم: ۹۵-۹۶
۲۵. تاريخ بغداد: ۲۵۹/۸؛ المحدث الفاصل: ۳۶۷
۲۶. الكفاية: ۳۳۱
۲۷. تهذيب التهذيب: ۵۲/۲ و نیز بنگريد به دراسات في الحديث النبوي: ۱۰۲/۱ و معرفة الصحف والنسخ الحديثية: ۹۹
۲۸. نقل براء را از حديث غدیر، با طرق مختلف و منابع و مصادر آن، بنگريد در: الغدير (تحقيق مركز الغدير للدراسات الإسلامية)، ج ۱، ص ۵۰ و پانوشت ص ۵۲، که در آن، گزارش منابع و مصادر بسیار آن، به همت والای محقق بزرگ، روانشاد سيدعبدالعزيز طباطبائي آمده است.
۲۹. سنن دارمی: ۱۲۸/۱؛ تقييد العلم: ۱۰۵؛ دراسات في الحديث النبوي: ۱۰۴/۱
۳۰. مقتل الحسين، خوارزمی: ۴۸/۱؛ كنز العمال: ۱۳۶/۱۳؛ الغدير: ۵۷/۱
۳۱. صحيح مسلم: ۱۴۵۳/۴ و ۱۸۰۲؛ مسند أحمد بن حنبل: ۹۳/۶
۳۲. أسد الغابة: ۵۲۹/۱، الإصابة: ۵۸۱/۱؛ قاموس الرجال: ۵۸۴/۲
۳۳. مسند أحمد بن حنبل: ۴۸۳/۵؛ دراسات في الحديث النبوي: ۱۰۶/۱
۳۴. الإصابة: ۳۶۲/۲؛ الإستيعاب: ۶۰/۲
۳۵. پیشین.
۳۶. سير أعلام النبلاء: ۱۸۲/۳؛ الإستيعاب: ۶۰/۲
۳۷. مسند أحمد بن حنبل: ۱۳۳/۵؛ تقييد العلم: ۷۲؛ الوثائق السياسية: ۶۴
۳۸. درباره زيد بن ثابت و چگونگی شخصیت وی و پیوند او با جریان خلافت حاکم پس از رسول الله صلی الله علیه و آله و نقد و تحلیل این فضایل، بنگريد به الصحيح من سيرة النبي الأعظم، جعفر مرتضى عاملی: ۳۲۱/۶-۳۴۶ و نیز حقائق هامة حول القرآن الكريم: ۱۳۰؛ قاموس الرجال: ۵۳۵/۴ به بعد.
۳۹. تقييد العلم: ۳۵
۴۰. دراسات في الحديث النبوي: ۱۰۸/۱
۴۱. فهرسة ما رواه عن شيوخه (فهرس ابن خیر الاشيلي): ۲۶۳
۴۲. سرآغاز این رساله در برخی از منابع حدیثی آمده است؛ بنگريد به المعجم الكبير للطبرانی: ۱۳۴/۵؛ السنن الكبرى للبيهقي: ۴۰۴/۶؛ دراسات في الحديث النبوي: ۱۰۹/۱
۴۳. سير أعلام النبلاء: ۴۳۶/۲؛ مختصر تاريخ دمشق: ۱۲۱/۹. درباره دانش زيد در علم ميراث و چگونگی فتاوی وی و موضع امامان عليهم السلام درباره آن، بنگريد به الصحيح من سيرة النبي الأعظم: .../۶
۴۴. دراسات في الحديث النبوي: ۱۴۴/۱
۴۵. الكامل، ابن عدی: ۲۰۸/۱؛ دراسات في الحديث النبوي: ۱۰۹/۱
۴۶. تقييد العلم: ۱۰۲



۴۷. تهذیب الکمال: ۱۹۳/۳۵؛ الموطأ: ۵۸۹/۲؛ أسد الغابة: ۱۳۸/۷

۴۸. زنی که حامله است، اگر طلاق داده شود، به اتفاق فقیهان، عدّه او با وضع حمل، پایان می یابد؛ اما اگر زن حامله شوهرش بمیرد، فقهای عامّه معتقدند که پایان عدّه، وضع حمل است؛ و فقهای شیعه، بیشترین زمان را ملاک قرار داده اند؛ یعنی اگر قبل از چهارماه و ده روز (که عدّه زنی است که شوهرش مرده است) وضع حمل کند، عدّه او پایان نمی پذیرد، و اگر بعد از آن باشد، باید تا وضع حمل صبر کند (التّبیان: ۳۴/۱۰؛ الجامع لأحكام القرآن: ۱۶۵/۱۸؛ الفقه علی المذاهب الخمسة: ۴۳۲؛ زبدّة البیان: ۷۵۵/۲؛ جواهرالأحكام: ۲۷۴/۳۲)

۴۹. الکفایة فی علم الروایة: ۳۳۷

۵۰. پیشین.

۵۱. صحیح مسلم: ۱۱۲۲/۲

۵۲. التهذیب: ۶۲/۸

۵۳. سنن ابن ماجه: ...

۵۴. در جاهلیت، هرکس شنا، تیراندازی و کتابت می دانست، به او «کامل» می گفتند (طبقات ابن سعد: ۶۰۴/۳؛ الإصابه: ۵۵/۳).

۵۵. درباره تجمع سعد و یارانش و چگونگی ماجرا و چرایی آن، رک از جمله به قاموس الرجال: ۴۸/۵ به بعد؛ سیره علوی، محمدباقر بهبودی: ۲۳ به بعد.

۵۶. المعیار والموازنة: ۲۳۲/۱۰؛ أنساب الأشراف: ۲۵۰/۱؛ سیره علوی: ۳۱. از مؤمن الطّاق سؤال کردند چرا علی علیه السلام بر احقاق حقش پای نفشرد و مخاصمه نکرد؟ گفت: ترسید جنیان او را بکشند!! (شرح ابن ابی الحدید: ۲۲۳/۱۷).

۵۷. مشاهیر علماء الأمصار: ...

۵۸. مسند أحمد بن حنبل: ۳۸۵/۶؛ سنن دارقطنی: ۲۱۴/۴

۵۹. الأموال، ابو عبید: ۳۹۳ و ۳۹۵؛ دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۱۱/۱؛ درباره سائب، بنگرید به الإصابه: ۱۲/۲؛ أسد الغابة: ۴۰۱/۲؛ التّاریخ الكبير: ۱۵۰۴

۶۰. تهذیب التهذیب: ۱۳۰/۲ و ۵۴۴/۱

۶۱. میزان الاعتدال: ۳۹۶/۶

۶۲. تهذیب التهذیب: ۱۳۰/۲

۶۳. التّاریخ الكبير: ۲۶/۱؛ طبقات ابن سعد: ۴۲۷/۶

۶۴. تهذیب التهذیب: ۵۴۴/۱؛ طبقات ابن سعد: ۱۵۷/۷

۶۵. سنن بیهقی: ۵۹۹/۹

۶۶. رک به فصلنامه علوم حدیث: ۳۶/۲؛ در آنجا نشان داده ایم که صدور آن از رسول الله صلی الله علیه و آله ثابت نیست. افزون بر آن، در معنای حدیث، احتمال دیگری می رود که مالا آن را از موضوع خارج می سازد.

۶۷. معرفة النسخ والصّحف الحديثية: ۱۶۱؛ دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۱۱/۱



۶۸. دراسات في الحديث النبوي: ۹۵/۱؛ فصلنامه علوم حدیث: ۳۷/۲
۶۹. سیر أعلام النبلاء: ۴۶۴/۲؛ مختصر تاریخ دمشق: ۲۷۹/۱۰
۷۰. دراسات في الحديث النبوي: ۱۱۲/۱
۷۱. مسند أحمد بن حنبل: ۱۰۷/۵؛ مختصر تاریخ دمشق: ۲۷۶/۱۰؛ سیر أعلام النبلاء: ۴۶۵/۲.
۷۲. البيان والتبيين: ۱۳۲/۴؛ أمالی شيخ مفيد: ۹۶
۷۳. مختصر تاریخ دمشق: ۲۸۰/۱۰
۷۵. مختصر تاریخ دمشق: ۳۳۴/۱۰؛ الإصابه: ۲۸۹/۳
۷۵. الإصابه: ۲۹۱/۳؛ دراسات في الحديث النبوي: ۱۱۲/۱؛ معرفة الصّحف والنسخ الحديثية: ۱۶۹
۷۶. طبقات ابن سعد: ۴۱۲/۷؛ سنن دارمی: ۸۶/۱؛ تقييد العلم: ۹۸
۷۷. المصنف: ۵۱-۵۰/۱؛ دراسات في الحديث النبوي: ۹۲/۱
۷۸. الرسالة، شافعي: ۴۲۶؛ مسند أحمد بن حنبل: ۴۸۵/۴
۷۹. سنن ابن ماجه: ۸۸۳/۲؛ المصنف: ۳۹۷۹؛ سنن ترمذی: ۴۲۵/۴ و... یادآوری کنم که فقیهان، ارث از ديه را شامل تمام وارثان می دانند؛ کسانی از فقیهان عامه بر این باورند که زن از ديه همسر مقتولش ارث نمی برد؛ چون پیوند زوجیت بین آنها گسسته است (المعنی: ۲۲۰۶؛ الفقه الإسلامی وادلته: ۲۶۳/۸). لیکن شیخ الطائفه - رضوان الله علیه - بر این مسئله، ادعای اجماع کرده است (الخلاف: ۱۱۴/۴) واستدلال کرده است به روایتی از علی علیه السلام (همان). بنگرید به الکافی: ۱۳۸/۷؛ التهذیب: ۳۷۹/۹؛ من لا یحضره الفقیه: ۲۲۶/۴؛ اقوال دیگر را بنگرید در مرآة العقول: ۲۰۵/۲۳
۸۰. أحادیث أم المؤمنین عائشه: ۸۷/۱ به بعد.
۸۱. فتوح البلدان: ۶۶۲؛ دراسات في الحديث النبوي: ۱۱۳/۱
۸۲. دراسات في الحديث النبوي: ۱۱۴/۱؛ مرويات أم المؤمنین عائشه في التفسیر: ۱۶
۸۳. مرويات أم المؤمنین عائشه في التفسیر: ۱۶
۸۴. ر.ک به أحادیث أم المؤمنین عائشه: ۳۵۹/۱
۸۵. أسد الغابه: ۱۸۱/۳؛ الإصابه: ۱۶/۴؛ تهذیب التهذیب: ۹۵/۳؛ الوافی بالوفیات: ۷۸/۱۷؛ تهذیب الکمال: ۳۱۷/۱۴
۸۶. تهذیب التهذیب: ۲۵۶/۲
۸۷. تهذیب التهذیب: ۹۵/۳
۸۸. مسند أحمد بن حنبل: ۴۷۰/۵
۸۹. صحیح مسلم: ۱۳۶۲/۳؛ المستدرک: ۸۷/۲؛ الکفایه في علم الروایه: ۳۳۶
۹۰. تاریخ تدوین الحدیث: ۱۱۵/۱
۹۱. مسند أحمد بن حنبل: ۵۶۸/۴؛ تعلیقات سنن دارقطنی: ۴۶۴ (ط هند).
۹۲. بنگرید به ...
۹۳. دراسات في الحديث النبوي: ۱۲۰/۱؛ مسند أحمد بن حنبل: ۳/...
۹۴. التاريخ الكبير: ۳۲۵/ق۱؛ دراسات في الحديث النبوي: ۱۲۰/۱؛ تاریخ الإسلام، ذهبی: ۴۴۰/۴



۹۵. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۲۰ به نقل از الأموال، ابو عبید: ۳۹۳
۹۶. مسند احمد بن حنبل: ۲/۱۳۷
۹۷. مسند أحمد بن حنبل: ۲/۲۱۸
۹۸. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۲۱ به نقل از تاریخ الإسلام، ذهبی: ۵/۱۱
۹۹. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۲۱
۱۰۰. موسوعه فقه عبدالله بن عمر: ۲۴
۱۰۱. مسند أحمد بن حنبل: ۲/۳۹۵؛ سیر أعلام النبلاء: ۳/۸۹
۱۰۲. المحدث الفاصل: ۳۶۸؛ تقييد العلم: ۸۲
۱۰۳. مسند أحمد بن حنبل: ۲/۴۰۳؛ سیر أعلام النبلاء: ۳/۸۹
۱۰۴. طبقات ابن سعد: ۴/۲۶۶
۱۰۵. مسند احمد بن حنبل: ۲/۴۰۰؛ تذكرة الحفاظ: ۱/۴۲
۱۰۶. الإسرائيليات وأثرها في كتب التفسير: ۱۴۳
۱۰۷. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۲۴؛ آقای محمد مصطفی اعظمی، نشان داده است که بخشهایی از سیره رسول الله صلی الله علیه وآله را عبدالله بن عمرو بن عاص نقل کرده است و این را مؤیدی گرفته بر آنچه گفته اند.
۱۰۸. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۲۴ و ۱۲۵؛ صحائف الصحابة: ۷۲
۱۰۹. التشریح والفقه فی الإسلام - تاریخا ومنهجاً: ۷۵
۱۱۰. سنن الدارمی: ۱/۸۶؛ المحدث الفاصل: ۳۶۶؛ تقييد العلم: ۸۴؛ جامع بیان العلم وفضله: ۱/۳۰۵
۱۱۱. سیر اعلام النبلاء: ۳/۸۹؛ أسد الغابة: ۳/۳۴۶
۱۱۲. معرفة النسخ والصحف الحديثية: ۱۷۹ به نقل از أسد الغابة: ۳/...
۱۱۳. مسند أحمد بن حنبل: ۲/۱۵۸ به بعد (چاپ مؤسسه الرسالة: ۱۱/۶۷۱ به بعد).
۱۱۴. دراسات فی الحدیث والمحدثين: ۲۱؛ تاریخ الفقه الجعفری: ۱۳۹؛ یادآوری کنم که به هنگام خلافت ابوبکر، عبدالله به همراه پدرش در فتح شام و نبرد یرموک شرکت کرد و در این نبرد، به مجموعه ای از آثار پیشینیان دست یافت، که نقل از این مجموعه، همیشه نقل های او را با تردید مواجه می ساخت (أسد الغابة: ۳/۳۴۷؛ فتح الباری: ۱/۱۶۶؛ الإسرائيليات وأثرها في كتب التفسير: ۱۴۶).
۱۱۵. درباره این صحیفه و طرق آن، از جمله نگاه کنید به معرفة النسخ والصحف الحديثية: ۱۸۰، و منابعی که ارائه داده است.
۱۱۶. تقييد العلم: ۴۰
۱۱۷. همان.
۱۱۸. مسند أحمد بن حنبل: ۵/۵۳۹؛ السنن الكبرى: ۱/۱۵۱
۱۱۹. جامع بیان العلم وفضله: ۱/۳۱۱؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ۹/۵۰
۱۲۰. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱/۱۲۷



۱۲۱. تاریخ بغداد: ۲۳۴/۱۳؛ جامع بیان العلم وفضله: ۹۴/۱؛ تهذیب الکمال: ۴۵۴/۲۷
۱۲۲. تاریخ دمشق: ۱۰۸/۳۹؛ الکامل لابن عدی: ۱۸/۱
۱۲۳. تقييد العلم: ۵۴-۵۶؛ جامع بیان العلم وفضله: ۲۸۳/۱
۱۲۴. تقييد العلم: ۵۵
۱۲۵. جامع بیان العلم وفضله: ۲۸۳/۱
۱۲۶. در مقامی دیگر، درباره موضع ابن مسعود در مقابل اسرائیلیات سخن گفته ایم و نشان داده ایم که ابن مسعود، موضع نفی و طرد داشته است (تاریخ تفسیر، تفسیر در عصر صحابه). در برخی از این روایات، آمده است که در احادیث محوشده، فضایل اهل بیت علیهم السلام بوده است. از چگونگی این موضوع، سخن خواهیم گفت.
۱۲۷. صحیح مسلم: ۶۱/۱؛ تقييد العلم: ۹۴
۱۲۸. دراسات فی الحدیث النبوی: ۹۴/۱
۱۲۹. پس از این و در مقالات آینده، به این توجیهاات خواهیم پرداخت. گفتنی است که آقای دکتر محمد مصطفی اعظمی، روایاتی را که نشانگر منع عمر از تدوین حدیث است، ضعیف دانسته و مآلاً غیرقابل استناد؛ و از سوی دیگر، به قرائنی تکیه کرده است که عمر در کتابت و نشر حدیث می کوشیده است (دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۳۷/۱). البته این ادعا چندان با اسناد تاریخی همسویی ندارد.
۱۳۰. مسند أحمد بن حنبل: ۲۸/۱۱ و نیز بنگرید به الکفایة فی علم الروایة: ۳۵۴
۱۳۱. دراسات فی الحدیث النبوی، به نقل از الأموال، ابو عبید: ۳۹۳؛ التاریخ الکبیر: ۲۸۳/۱
۱۳۲. تقييد العلم: ۴۹
۱۳۳. تقييد العلم: ۵۳
۱۳۴. تقييد العلم: ۵۲
۱۳۵. أسد الغابة: ۲۰۲/۴؛ الجرح والتعديل: ۲۲۴/۶؛ الوثائق السیاسیة: ۲۱۱؛ سفراء النبوی: ۸۸۱/۱ - ۹۰۰؛ در این کتاب، چگونگی فرستادن عمرو به یمن، و متن نامه و مسائل مرتبط با آن، به تفصیل بحث شده است.
۱۳۶. دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۳۹/۱
۱۳۷. فصلنامه علوم حدیث: ۲۵/۲
۱۳۸. الکافی: ۲۴۰/۱؛ بصائر الدرجات: ۱۵۷ و... در مقاله یاد شده، بر اساس برخی روایات و نیز پژوهشهای عالمان، آورده ایم که این مجموعه به املائی رسول الله صلی الله علیه و آله بوده است. در این باره، پس از این نیز سخن خواهیم گفت.
۱۳۹. الکافی: ۶۶۷/۲؛ مسند أحمد بن حنبل: ۴۰۳/۶؛ تاریخ الإسلام، ذهبی: ۲۸۴/۳؛ المعجم الکبیر: ۲۷۰/۲۴؛ دلائل التوثیق المبکر للسنة: ۵۱۸
۱۴۰. صحیح مسلم: ۱۱۱۴/۲؛ مسند أحمد حنبل: ۵۶۳/۷؛ طبقات ابن سعد: ۸/۸...
۱۴۱. أسد الغابة: .../...؛ التاریخ الکبیر: ۲۳۹/۱
۱۴۲. المحدث الفاصل، رامهرمزی؛ به نقل از دراسات فی الحدیث النبوی: ۱۴۰/۱



۱۴۳. اسد الغابۃ: ۱۸۷/۵؛ التاريخ الكبير: ۳۵۹/۷

۱۴۴. الإختصاص: ۱۸۴؛ معجم رجال الحديث: ۱۸۳/۱۸؛ در مواضع متعدّد از بحار الأنوار، گزارش‌های جالب توجّهی آمده است که ضمن چهره نمایی معاذ، در تحلیل تاریخ پس از پیامبر صلی الله علیه وآله، بسی سودمند است. بنگرید به مستدرکات علم رجال الحديث: ۴۳۶/۷، که همه این موارد را یاد کرده است.

۱۴۵. اسد الغابۃ: ۱۸۸/۵؛ کنز العمال: ۴۹۴/۲؛ محمود شیت خطّاب، در اثر ارجمندش (سفراء النّبی: ۷۳۴/۱ به بعد) به تفصیل، ماجرای رفتن معاذ به یمن را آورده و متن نامه و رساله را بر اساس منابعی کهن گزارش کرده است.

۱۴۶. مسند أحمد بن حنبل: ۳۰۰/۶

۱۴۷. دراسات فی الحديث النبوی: ۱۴۰/۱، به نقل از المحدث الفاصل.

۱۴۸. تهذیب التهذیب: ۵۶۱/۱۲

۱۴۹. مسند أحمد بن حنبل، ج ۴۶۷/۷؛ دراسات فی الحديث النبوی: ۱۴۲/۱

۱۵۰. اسد الغابۃ: ۳۱۰/۵

۱۵۱. مسند أحمد بن حنبل: ۳۴۸/۴؛ دراسات فی الحديث النبوی: ۱۴۲/۱

۱۵۲. سیر أعلام النبلاء: ۳۸۶/۳؛ الإصابۃ: ۴۶۲/۶؛ مختصر تاریخ دمشق: ۲۳۷/۲۶

۱۵۳. سیر أعلام النبلاء: ۳۸۶/۳؛ تقييد العلم: ۹۹ (حاشیه).